

گزیده‌ای از بیانات در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور - 29 / فروردین / 1395

این جلسه جزو معدود جلسه‌هایی است که بنده تقریباً همه‌ی حضار را می‌شناسم. خیلی از این جلساتی که تشکیل می‌شود اینجا، جمعیت‌هایی هستند، اغلب را بنده نمی‌شناسم، حالا بعضی‌ها را ممکن است به اسم [شناسیم] لکن حضوراً نمی‌شناسم. این جلسه جزو معدود جلساتی است که تقریباً همه‌ی دوستان و برادران و شاید خواهران -حالا خواهران را آدم درست تطبیق نمی‌کند- قاعدتاً خواهران هم جزو کسانی هستند که از نزدیک می‌شناسیم‌شان. با بسیاری از شماها هم کار کردیم ما، یعنی در طول این سالهای متمادی همکاری داشتیم، همفکری داشتیم و کار کردیم. از این جهت، جلسه برای بنده جلسه‌ی شیرینی است و امیدواریم که ان‌شاءالله خدای متعال به شماها توفیق بدهد و کار را به بهترین وجه ادامه بدهید.

یک جنبه‌ی دیگر این جلسه این است که این جلسه مشتمل بر افکار و نگاه‌ها و گرایشهای مختلف سیاسی است. انواع و اقسام اینجا من دارم جلو چشم، یک چهل تکه‌ی قشنگی است. از همه‌جور الحمدالله هستند. این تنوع -این را شما بدانید این نظر قطعی من است، حالا دوستانی که با من کار کردند سالها از نزدیک می‌دانند این نظر را- این تنوع چیز مطلوبی است، چیز نامطلوبی نیست. البته مشروط بر اینکه سادگی و ساده‌لوحی به خرج ندهیم، بچگی به خرج ندهیم و مثل بعضی از کشورهای دیگر که آدم می‌بیند سر یک چیزهای کوچک، اختلاف سلیقه‌ها تبدیل می‌شود به یک دعواهای بزرگ، گاهی بنیانی، می‌افتند به جان هم. به جان هم افتادن هم از زبان شروع می‌شود، لکن به زبان ختم نمی‌شود.

یک وقتی اینجا چند سال قبل از این، انواع روزنامه‌نگارهای مختلف، جور واجور آمده بودند اینجا، و در میانشان افراد [مختلف بودند] آن وقت تازه این تعبیر «دگراندیش» باب شده بود، من گفتم من اصلاً قبول ندارم این تعبیر را. دگراندیش، خب دگراندیش، دگراندیشی یک جرم که نیست، خب اندیشه است؛ شما یک جور فکر می‌کنید، رفیقت یک جور دیگر فکر می‌کند در مسایل مختلف، ایرادی ندارد. منتها یک شرط دارد. غیر از این شرطی که عرض کردیم که چنگال به هم نزنند و اینها، شرط دیگر این است که همه متوجه به انقلاب باشد. مسئله‌ی انقلاب جدی گرفته بشود. این مهم است. این رودخانه‌های کوچک و بزرگ از جوانب مختلف، همه به این اقیانوس انقلاب بریزد، به نفع انقلاب تمام بشود.

اقتصاد مقاومتی یک کلّ فراگیر است که از عرصه‌ی علمی تا عرصه‌ی فعالیت‌های فنی، تا عرصه‌ی خدمات، تا عرصه‌ی بازرگانی و صادرات و واردات، تا عرصه‌ی آموزش در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها، همه را شامل می‌شود. اگر ما جدی بگیریم، الان مثلاً فرض بفرمایید گزارش می‌آید، حالا من نمی‌دانم، فلان دستگاه را یا فلان ابزار را یا فلان قطعه را که خیلی هم مهم است و کاربرد زیادی دارد، فرض کنید فلان دستگاه فنی ما دارد می‌سازد، خویش هم می‌سازد، مپنا، آقای علی‌آبادی اینجا نشسته، من باب مثال؛ بعد همین را ما وارد کنیم. خب این بد است. این ضدّ آن جهت‌گیری اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی این چیزها را نفی می‌کند. اقتصاد مقاومتی اثباتی دارد و نفی‌ای. اثباتش همین است که ما یاد بگیریم که به سمت تولید داخلی رو بیاوریم. عمده تولید است.

نبایدهایش مهمتر است. نبایدهای اقتصاد مقاومتی مهمتر است. یک کارهایی را نباید کرد. شناسایی این نبایدها خیلی مهم است. بعد جرأت اقدام این نبایدها خیلی مهم است. در زمینه‌ی بازرگانی نمونه‌های مهمش هست، در زمینه‌های صنعتی و فنی همین‌جور، در زمینه‌ی آموزش دانشگاه‌ها همین‌جور. اقتصاد مقاومتی معنایش این است که انقلاب نشان بدهد که هویت درونی این کشور و این ملت قادر است خود را اداره کند و رشد بدهد و تعالی بدهد.

این معنای اقتصاد مقاومتی [است]. این باید تحقق پیدا کند.

شماها می‌توانید همه کمک کنید. واقعاً هر کدام در بخشهای مختلف که هستید کمک کنید، هم در زیر مجموعه‌های خودتان، هم آنها که، هم در حوزه‌ی نفوذ خودتان. فرض کنید نماینده‌ی مجلس در مجلس، مسئول فلان نهاد در آن نهاد، مسئولان گوناگون در بخشهای مختلف، بخشهای آموزشی، بخشهای علمی و غیره. این اساس کار است. اگر این نشد، یعنی اگر چنانچه ما به این توان داخلی و درونی خودمان تکیه نکردیم و آن گنجینه را استخراج نکردیم، این معدن را، که یک معدن عظیمی است، اگر این معدن را استخراج نکردیم یا آنچه که استخراج شده را گذاشتیم خراب بشود و فرو بریزد، آن وقت محتاج بیرون خواهیم بود. احتیاج به بیرون هم چیز خیلی خطرناکی است. به مجرد اینکه احساس کردند شما محتاج هستید، یک ملتی محتاج است، فشار می‌آورند، فشار را زیاد می‌کنند، لگد می‌زنند، تحقیر می‌کنند. این جور نیست که شما مثلاً به فلان دولت مستکبر بگویید خیلی خوب، ما دیگر با شما کاری نداریم، شما هم با ما کار نداشته باش. قضیه این جوری تمام نمی‌شود. ما به شما کار نداریم، این حرف در مسائل جهانی و بین‌المللی و معارضه‌ی قدرتها و صف‌آرایی جبهه‌های قدرت اصلاً معنی ندارد. باید جلوی پیش را بگیریم. باید مانع بشوید، و الا می‌آید جلو. حرف این است.

اینکه ما راجع به مسایل خارجی و سیاست خارجی و استکبار و نمی‌دانم از این حرفها می‌گوییم، تکرار می‌کنیم در حرفهای عمومی، در حرفهای خصوصی، این بخاطر این است. نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور -حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی- مخالفیم، نه، آنهايي که با بنده کار کردند می‌دانند. بنده هیچ مخالفت که ندارم بلکه از اول مشوق این جور ارتباطات بودم، الان هم هستم. الان هم مسئولین دولتی را دائماً تشویق می‌کنم به افزایش ارتباطات. منتها ارتباطات با چه کسی؟ ارتباط با چه کسی؟ آن کسی که می‌خواهیم با او ارتباط بگیریم چه انگیزه‌ای دارد؟ ما در مقابل انگیزه‌ی او چه توانی داریم، اینها باید محاسبه بشود، بدون محاسبه که نمی‌شود. حرف این است، اقتصاد مقاومتی در واقع این است. بحث مقابله‌ی با استکبار در ماهیت و هویت خودش غیر از اقتصاد مقاومتی، در بخش اقتصاد حالا، هیچی دیگر نیست. استقلال فرهنگی هم که من همیشه سالها روی آن تکیه کردم هم جزو همین چیزهاست. اما حالا بحث اقتصاد است. این سالها مسأله‌ی اقتصاد برای ما مسأله‌ی اول است. این بحث استکبارستیزی و دعوی با کسانی که در خلاف این جهت حرکت می‌کنند، نهیب زدن به آمریکا و دیگران، این درواقع آن روی سکه‌ی اقتصاد مقاومتی است. بخواهید شما اقتصاد مقاومتی تحقق پیدا کند، بدون این نمی‌شود، بدون این نمی‌شود. طرف، ابزارهای قدرتش زیاد است، توانایی‌های زیادی دارد، به هیچ وجه ما دشمن را دست کم نمی‌گیریم و می‌دانیم دشمن که هست و چه هست و چه قدر توانایی دارد، اما از توانایی خودمان هم نمی‌توانیم غفلت کنیم، ما هم توانایی‌های زیادی داریم. ممکن است از نوع دیگری باشد اما توانایی است. دلیل توانایی اینها به خون امام بزرگوار و به خون این انقلاب تشنه بودند از روز اول. الان سی و هفت سال است این انقلاب روزه‌روز دارد رشد می‌کند، پس ما توانایییم که توانستیم رشد کنیم. اگر توانایی نبود که رشد نمی‌شد. پس این توانایی است. این بهترین دلیل بر امکان شیء، بر احتمال وقوع شیء، وقوع خود آن شیء است. واقع شده دیگر. ما الان سی و هفت سال است داریم حرکت می‌کنیم، پیش می‌رویم، کار می‌کنیم، ایستادگی می‌کنیم. بنده حرفم این است. این را دنبال کنید. این هر دو روی سکه را دنبال کنید، هم در مجلس دنبال کنید هم در دولت دنبال کنید، هم در بخش‌های مختلف نهادها دنبال کنید، ارتباطات دارید، آشنا هستید، می‌شناسید مسئولین را، سالها در مسئولیت بودید، با هم بودید، هم در دانشگاه‌ها به خصوص دنبال کنید، در محیط‌های فرهنگی دنبال کنید. این عرض ماست. اگر این بشود آن وقت ان شاء الله عید، مبارک به معنای واقعی خواهد بود. این که عرض کردیم به شما که خدا مبارک کند، درواقع همه‌ی این حرفها در این «مبارک» هست، از همه‌تان متشکریم.